

# ... و نه فقط برای پسرها!



## فرشته سلیمانی

قابل مشاهده است. شخصیت قهرمانان مجموعه «برای پسرها» طیف گسترده‌ای را شامل می‌شوند؛ از کودکی که می‌خواهد روابطش را با ناپدری‌اش گسترش دهد (قدرت اسرارآمیز) گرفته تا گروهی از بچه‌های روستایی که فکرهای بزرگی در پس بازی‌های کودکانه خود دارند (پسران زره‌پوش) و پسر بچه ثروتمندی که جای خالی هیچ چیز را در زندگی‌اش احساس نمی‌کند (پسری که تقریباً همه چیز داشت) و...

حتی زمان وقوع داستان‌ها هم از دوران بارون‌های بدجنس تا عصر کنترل موجودات فضایی با بازی‌های رایانه‌ای را در برمی‌گیرد. با این همه نوعی یکدستی در سراسر کتاب‌های مجموعه به چشم می‌خورد و این مدیون ارتباط موفقی است که نویسنده در قالب‌ها و فضاهای مختلف با کودک برقرار می‌کند.

تلاش نویسنده بر این است که زبان گفت‌وگوها و شیوه روایت را به زبان مخاطب نزدیک کند و در این مسیر از بازی‌های زبانی هم بسیار کمک می‌گیرد. بازی‌هایی که اکثراً تنها در زبان مبدأ صورت موفقی می‌گیرند و در برگردان زبان فارسی، مترجم را به اضافه کردن توضیحات در پانوشت وا می‌دارند:

«این داستان من کمی پیچیده است. با گلدان شروع می‌کنم. به آشپزخانه بیایید. آهسته، چون من نمی‌توانم تند راه بروم. زیاد زمین می‌خورم چون مثل اسمم [نام خانوادگی راوی داستان]، فالینگ (افتادن) در حال افتادن هستیم.»

در این نمونه کاربرد جناسی را می‌بینیم که قطعاً بدون اشاره به معنای کلمه فالینگ، نمی‌توانست در نسخه ترجمه شده، معنایی داشته باشد. ضمن این‌که از همین دو سطر هم می‌شود تفاوت در شیوه روایت را درک کرد. راوی طوری به شرح داستان می‌پردازد که گویی مخاطب در کنارش حاضر است و دارد پشت سر او راه می‌رود.

تلاش نویسنده برای ارائه اثری متفاوت و تازه، در نحوه آغاز کردن و به پایان رساندن داستان‌ها نیز مشهود است. فصل پایانی داستان را این هود نمونه خوبی است:

«آفرین بر رابین و حس بویایی فوق‌العاده‌اش و آفرین بر دنی جنگجویی که نشان داد چه مهارتی دارد.

هورا برای مهارت رابین در تیراندازی که فقط با بوکشیدن هدف را پیدا کرد.

هورا برای نسیمی که بوی سیر را از صد قدمی به مشام رابین رساند.

هورا برای اسب رابین که راحت در اصطبل استراحت می‌کند...»  
و به همین ترتیب تا پایان فصل، برای شخصیت‌های داستان هورا کشیده می‌شود و داستان به پایانی خوش می‌رسد!

ایان وای برو. «برای پسرها». ترجمه نسرين مهاجرانی. تهران: پیدایش، ۱۳۸۹. هر جلد: ۲۰۰۰۰ ریال.

مجموعه داستان «برای پسرها» عنوان مجموعه‌ای ده جلدی است که در هر جلد آن ماجرای پسر بچه‌های ده - یازده ساله نقل می‌شود؛ بی‌آن که حتی در میان شخصیت‌های فرعی هر داستان، پای یک دختر بچه به میان آید!

البته درک فضای داستان‌ها و احتمالاً لذت بردن از آن‌ها در انحصار پسرها نیست؛ همان‌طور که مفاهیم و اندیشه موجود در دل ماجراها چنین تقسیم‌بندی‌ای نمی‌پذیرد. تأکید بر وجود استعداد های بالقوه در ذات افراد و لزوم ایجاد فرصت برای کشفشان در داستان‌های این مجموعه، می‌تواند گواهی بر این مدعا باشد.

گری در دسرساز در دوست صمیمی من، آکس در پسر خرابکار، جک قدکوتاه در فوتبالیست ریزه میزه و تک تک شخصیت‌های داستان را این هود ثابت می‌کند که وقتی مسئولیتی در محدوده استعدادهایشان به آن‌ها واگذار می‌شود، به خوبی از عهده‌اش برمی‌آیند. حتی توماس که از بدو تولد مشکل حرکتی دارد، در جایی از داستان دو قلمو‌ها اشاره می‌کند دکترها از همان اول بی‌په‌وده گفته‌اند که او هرگز نمی‌تواند راه برود. چرا که حالا نه تنها با یک جفت عصا، بلکه گاهی بدون آن‌ها هم می‌تواند راه برود.

به این ترتیب، برخلاف آن‌چه از عنوان مجموعه برمی‌آید، بجز جنسیت شخصیت‌ها گواه دیگری مبنی بر پسرانه بودن مجموعه - تا حدی که مخاطبان را به دو گروه پسر و دختر تقسیم کند - وجود ندارد. اصلاً اگر هم قرار باشد تنها با گروهی خاص ارتباط برقرار شود، بهتر است تصمیم‌گیری در مورد خواندن و نخواندن اثر را به عهده خود مخاطبان بگذاریم. ضمن این‌که به عنوان مثال اگر به جای توماس از اسمی دخترانه در دو قلمو‌ها استفاده می‌شد، این کتاب می‌توانست در مجموعه «برای دخترها» قرار بگیرد؛ البته با کمی تغییر در تصاویر!

تصاویر، پیوسته متن داستان‌ها را همراهی می‌کنند، به طوری که کمتر دیده می‌شود دو یا سه صفحه از کتاب خالی از تصویر باشد و این بی‌تصویری به صفحه چهارم بکشد! تصاویر این مجموعه به واقع به تکلیف خود که افزودن بر جذابیت اثر و برجسته‌سازی گوشه‌هایی از ماجراست، واقفند. مثلاً در فوتبالیست ریزه میزه به تناسب عنوان فصل هفتم (مغز فوتبالی) و جمله تشویقی «تو مغز فوتبالی داری» تصویری می‌بینیم که پسر بچه‌ای را با سری شبیه به یک توپ فوتبال نشان می‌دهد. با وجود این در مشخصات کتاب نامی از تصویرگر نیامده است.

تنوع، گذشته بر تصویرگری، در جنبه‌های دیگر داستان‌ها نیز